

۹۲، ۶، ۱۷

جلسه اول

منابع:

- * اصول روابط بین الملل الفرب / دکتر سیف زاده / نشر دادگستر
- * اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل / دکتر قوام / انتشارات سمت
- روابط بین الملل: نظریه و روش / دکتر قوام
- جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین / بلیس، اسدیت
- روابط بین الملل در تئوری و عمل / دکتر علی اصغر کاظمی / نشر قوس
- ارتباطات جهانی و سیاست خارجی / ترجمه دکتر آشتا
- * مبانی تحلیل سیاست بین الملل / هالسن / دفتر مطالعات وزارت خارج
- سیاست خارجی: نظریه ها، ابزارها و موارد مطالعاتی / آنت راک سمیت
- سیاست بین الملل / دکتر ابراهیم فر
- سازمان های اطلاعاتی و سیاست خارجی / دکتر محمدی / ابراهیم معمر
- سیاست خارجی هر جوان و مباحثه
- تصمیم گیری در عرصه سیاست خارجی
- مبانی و مدل های تصمیم گیری در سیاست خارجی / دکتر سیف زاده
- تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی / محمد صبحی خوشنویس / وزارت خارج

سیاست خارجی: مجموعه تصمیماتی که یک کشور اتخاذ می کند و جنبه های بدون مرزی دارد. (Foreign Policy)

- مجموعه ای خط مشی ها، تصمیم گیری ها و سیاست هایی که سیاستمداران اتخاذ می نمایند.
- سیاست خارجی عرصه ای تصمیمات رسمی دولت است. اثر نهادی، گروهی و افراد غیر رسمی اقدام به عملی نمایند، اسم آن را سیاست خارجی نمی گذاریم.
- سیاست خارجی معمولاً دارای سه بخش تدوین، اجرا و ارزیابی (بازخورد) است.
- در مرحله تدوین سیاست ها، سیاستمداران باید نظر گرفتن منافع و اصطلاح ملی و اطمانت اقدام به تصمیم گیری و اتخاذ سیاست می کنند.
- در مرحله اجرا با استفاده از ابزارها، سیاست های تدوین شده اجرا می شود و فشار و سازشی می شود.
- پس از اجرای سیاست باید ارزیابی کرد و نتیجه گرفت.

انحصار، نفوذ، آموزش و...

FR
FP

بین سیاست خارجی و روابط خارجی تفاوت وجود دارد. روابط خارجی مجموعه تعاملات یک کشور با سایر کشورهاست. روابط خارجی یک مفهوم عام تر است. روابط خارجی معمولاً یک هدف مشخص و از پیش برنامه ریزی شده ندارد. اما اثر اهداف با جهت پیدا کرد، بر آن سیاست خارجی می گویند.

مثال: ایران در آفریقا. دلایل روابط خارجی است. از جمله ارسال کمک های بشردوستانه، ساخت کارخانه های تولید کبریت و آبرسانی و... اما سیاست و هدف خاصی ندارد. اما چنین در روابط خارجی خود در آفریقا سیاستگذاری اقتصادی کرده است. ایران در منطقه ای آمریکایی جنوبی دارای سیاست خارجی است.

* سیاست خارجی عامل وحدت بخش سیاست های یک کشور است.

۹۲، ۶، ۲۴

جلسه دوم

سیاست خارجی عرصه ای اهداف، مقاصد و منافع ملی است و بر اساس همان ها تدوین می شود.

* سیاست خارجی تدوین و اجرای منافع و اهداف ملی است.

سیاست خارجی جنبه ای رسمی دارد و نهادها و نهادهایی که جنبه ای رسمی و حکومتی دارند، چنین سیاست های را اتخاذ می کنند. البته گاه دولت ها از نهاد های غیر رسمی برای سیاست خارجی استفاده می کنند.

تفاوت سیاست خارجی و سیاست داخلی: در چهار حوزه است:

- ۱- عرصه ای اجرا: سیاست داخلی در چهارچوب مرزهای سرزمینی یک دولت مشخص است. اما عرصه ای سیاست خارجی، فراملی است. در واقع معتقدند که سیاست خارجی کاملاً از سیاست داخلی جداست. اما بعضی بر این باورند که سیاست خارجی دنباله ای سیاست داخلی دولت ها است.
- ۲- حاکمیت: یک دولت تمام و مستقل در چهارچوب مرزهای سرزمینی خود دارای حاکمیت مطلق است. اما در عرصه بین المللی حاکمیت مطلق وجود ندارد.

۳- ابزارها و روش اجرا: در سیاست داخلی، قانون وجود دارد و در شرایط عادی هیچ کس از اعمال قانون نمی تواند فرار کند. در سیاست خارجی ابزار متفاوت است مثل مذاکره، جنگ و...

۴- هدف: برنامه ریزی دولت ها در سیاست داخلی، رفاه مادی و معنوی شهروندان است. اما در سیاست خارجی پیگیری اهداف و منافع ملی است؛ اگر چه ممکن است این اقدامات در سیاست خارجی، خدمت به مردم و تلاش در جهت رفاه زندگی مردم باشد. اما همواره این طور نیست. مثل سیاست خارجی آمریکا در جنگ عراق و افغانستان که به ضرر مردم آن بوده است.

۵- نظر وجود دارد: الف) دو مفهوم مساوی اند. ب) یک مفهوم ملی است.

و مفهوم دیگر خیرین از آن است. برخی معتقدند منافع ملی هرگاه عملیاتی شود، به اهداف ملی تبدیل می‌گردد. لذا منافع ملی عموماً تر است. عده‌ی دیگر معتقدند که اهداف شامل یک سری خواسته‌ها و آمال است که منافع از آن حاصل می‌شود.

نظریه اول (مطابقت)



منافع ملی: کلمه از سنجیده ترین مفاهیم علوم سیاسی است. منافع ملی بهترین اولویت‌ها می‌باشند لذا برای یک دولت و ملت است.

- منافع ملی در ۳ معنای متفاوت به کار برده شده است: (۳ کاربرد)

- ۱. منافع ملی به منزله‌ی یک چهارچوب تعیین و تحلیل و تشریح اولویت اقدام دولت در سیاست خارجی است. (بیان اولویت‌ها)
- ۲. معیار ارزیابی راهبرد و سیاست‌های دولت است.
- ۳. توجیه سیاست‌های دولت‌هاست؛ دولت‌ها بسیاری از اقدامات خود را با منافع ملی توجیه می‌کنند.

روکرد‌های نظری در منافع ملی: ① **عینه گرایان:** غالباً رئالیست‌ها این نظر را دارند و معتقدند این منافع ثابت اند و حیطه‌ی مشخص و قالب مشخص دارد و دولت‌ها باید این منافع را کشف کنند.

روابط کشورها بر مبنای تعارض منافع است. تأمین امنیت و افزایش قدرت در صدر این منافع قرار دارد.

② **ذهنی گرایان:** منافع ملی ساخته‌ی ذهن حاکمان است. لزوماً منافع ملی در خارج وجود ندارد تا آنرا کشف کنیم. منافع متغیر است. منافع در قالب توانمندی‌های افرادی است که در قدرت قرار دارند.

③ **سازه‌انظاریان:** معتقد به تعادل هستند. یک روکرد تلفیقی است. منافع لزوماً عینیت نیست و می‌تواند تحت تأثیر ارزش‌های حاکمان باشد. هویت، چنج‌ها و ارزش‌ها، سیاست خارجی را می‌سازند. مثلاً در انقلاب

اسلامی ارزش‌های اسلام، شعیه و انقلابی‌گری، در این کار جمع می‌شود. در آمریکا دفاع از حقوق بشر و دموکراسی. به برای شناخت منافع ملی باید موارد زیر را شناخت:

- نظام‌های اساسی و چنج‌های اساسی
- ماهیت و ساختار حکومت (بوروکراسی)
- فرآیندهای ملی و سلاطین
- ویژگی‌های رهبران
- ساختار نظام بین الملل
- منابع، قدرت، تاریخ، فرهنگ و جغرافیای یک کشور

ملحوس (یعنی) - بقا / تأمین آرزو

منافع ملی

غیر ملحوس - حفظ ارزش ها / اعتبار

۹۲، ۶، ۴۱

جلسه سوم

* سلسله مراتب منافع ملی :

① منافع وجودی (Existential) : منافع هستند که حیات و سلامت یک کشور بر آن استوار دارد.

غیر قابل مذاکره هستند. دولت‌ها برای تحقق این منافع به زور متوسل می‌شوند. دست‌نهایی به سایر منافع به تحقق این منافع وجودی وابسته است.

نکته: گاهی اوقات این منافع اعتباری هستند و جمعیتی نیستند. مثال: حفظ امنیت و بقای اسرائیل توسط آمریکا

گاهی اوقات کشور که دنبال بهانه هستند و منافع خود را وجودی تعریف می‌کنند. مثال: جمله به ۲ اصفهان در آمریکا

و در مقابل جمله به دو کشور خاور میانه. / در ایران حفظ انقلاب اسلامی از منافع وجودی محسوب می‌شود.

در صحنه کشورها حفظ تأمین آرزو، از منافع وجودی به شمار می‌رود.

② منافع حیاتی (Vital) : به خطر افتادن منافع حیاتی تهدیدی برای کشورها محسوب می‌شود.

اما در مقابل با منافع وجودی دارای اولویت باسن بری هستند. در این منافع معمولاً مذاکره قابلیت دارد.

منافع حیاتی پیش شرط بقا هستند و عدم تحقق آن‌ها لزوماً بقا را نابود نمی‌کند ولی ضررهای زیاد خواهد داشت.

مثال: حفظ بقای حزب است برای ایران: اگر چه حزب است از بین برود بقای ایران به خطر نمی‌افتد یعنی از بین نمی‌رود بلکه فقط تهدیدی برای ماست.

③ منافع مهم (Important) : در صورت عدم تحقق مشغلات زیادی برای کشور ایجاد می‌کند. اهمیت آن، به رفاه و معیشت مردم و سعادت کشور است. با ابزارها مانند آتش و مذاکره قابل دست‌نهایی است.

مثال: منافع اقتصادی / وقوع انقلاب‌های منطقه‌ای خاور میانه، منافع مهم آمریکا را به خطر می‌اندازد.

④ منافع ثانویه (Secondary) : محالوم وجود آن منافع حیاتی و وجودی کشور را به خطر نمی‌اندازد.

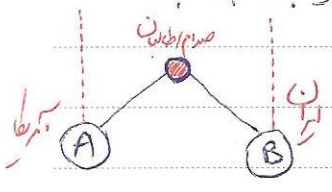
حتی ممکن است جلسه‌ای هم برای آن صورت نگیرد. پیش‌تر جنبه‌ی «پرستیژ» دارد. مثلاً لغو روادید یا بستن مرزهای کشور برای عدم ورود اتباع یک کشور خاص.

* برخی از این موارد جلسه‌ی دسته کشورهاست؛ یعنی دولت‌ها برای خود منافع تعریف می‌کنند.

* گاهی اوقات کشورها، اولویت منافع را تغییر می‌دهند. مثل تغییر اولویت شورای با صنعت شدن.

- * عمدتاً منافع دولت‌ها با تغییر مساحت آمیز (بدون کودتای) کشورها تغییر نمی‌کنند.
 - * منافع و اولویات‌ها با توجه به قدرت کشورها تعریف می‌شوند.
 - * آن‌چه دولت‌ها انجام می‌دهند لزوماً مساوی با منفعت بودن آن اقدام نیست.
- انواع منافع ملی

۱- منافع موزاری = نومانز بین دو دولت ایجاد می‌شود که همان منافع آن دو تقاضی به وجود نیاید و هر دو کشور به نوعی منفعت دهنده می‌کند به کشور مقابل؛ در واقع یک بازی برد-برد است.



این عمل به صورت خودکار و ناخودآگاه رخ می‌دهد.
مثال: منافع ایران و آمریکا در نابودی صدام و طالبان در این فرمول دو کشور با هم همکاری می‌کنند.

۲- منافع مشترک = در منافع مشترک هدف وجود دارد و همکاری نیز نیاز دارد. تحققش بین دو کشور با اختلاف و اتحاد است و آن منفعت را با هم دنبال می‌کنند.
در منافع موزاری همکاری وجود ندارد ولی در منافع مشترک همکاری وجود دارد.

۳- منافع متعارض = تحصیل این منافع با ستیز و مبارزه همراه است. مثال حمایت ایران از حزب الله و هدف آمریکا و اسرائیل در نابودسازی حزب الله. با حمایت آمریکا از اسرائیل در تقاضای ایران برای نابودی آن. این منافع تقریباً قابل حل نیست. نیازمند مصالحه می‌گردد.

۴- منافع اختلافی = منافع اختلاف را با صردوی قابل حل هستند. منافع دو دولت با هم تلاطم می‌کنند ولی به سطح تقاضی نمی‌رسد و قابل حل است. یعنی سطح پایین‌تر از منافع متعارض است. مثال:

اهداف ملی: مجموعه ارزش‌ها، اهداف، آرزو، آرمان‌ها هستند که در راستای حقوق منافع ملی طراحی می‌شوند. اهداف، اولویات ملی منافع ملی را معین می‌کنند. اهداف ممکن است در طول زمان تغییر کنند. اهداف ممکن است با نظر دولت‌ها تغییر کنند. مثلاً یک دولت اهداف اقتصادی دارد، دولت دیگر اهداف امنیتی را دنبال می‌کند.

گاهی تغییر یک رویکرد می تواند باعث تغییر اهداف شود. مثلا تغییر تکنیک و رویکردها آقای روحانی در تعامل با غرب در برابر رویکرد آقای احمدی نژاد در تعامل با غرب.

- ۱. رقابتی بودن
- ۲. نیازها داخلی
- ۳. کاهش و افزایش قدرت بازگرا
- ۴. تغییر رفتار سایر بازیگران

بخش اهداف ملی جنبه های مختلفی دارد. فقط جنبه های نظامی ندارد. جنبه های اقتصادی، فرهنگی و... جزو اهداف ملی می تواند محسوب شود.

جلسه ۸

۹۲، ۷، ۷

انواع اهداف ملی: ۱) اهداف مستقل یا وابسته: در مواردی که سیاست خارجی کشور را به طور مستقل صورت می گیرد نه تحت تأثیر سایر کشورها. مثال: ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی. در زمان شاه سیاست خارجی ایران وابسته بوده است. تأمین نیازها و پیش رفت در فضای جهانی شدن البته کشورها را متقابلاً با یکدیگر وابسته نموده است. ولی وابستگی متقابل منافاتی با استقلال اهداف دولت ندارد.

۲) اهداف کوتاه مدت / میان مدت / بلند مدت: بعضی اهداف کوتاه مدت و فوری هستند. مثلا در حال حاضر کشور تحت فشار زیاد اقتصادی است و رفع این کاهش فشار جزء اهداف کوتاه مدت دولت باید به شمار رود. اما اهداف میان مدت و بلند مدت دارای غوریت کمتری هستند و دارای فاز بندی های خواهر بود. اهداف بلند مدت در چهارچوب اهداف کلان تر تشکیل می شود.

۳) اهداف ظاهری / واقعی: گاهی دولت که اهداف را بر اساس عینیت و واقعیت تعریف می کنند ولی گاهی فقط جنبه های ظاهری دارد. باید میان سیاست های اعلامی و اعمالی دولت تفاوت قائل شد. همواره حرف و عمل دولت که یکی نیست. بلکه راه برای تشخیص این سیاست های نگاه کردن و بررسی استمرار این روندها است.

۴) اهداف سازگار / ناسازگار: گاهی اهداف طبق اولویت بندی مناسب و مطلوبی در کنار هم قرار می گیرند. در این صورت سیاست های مختلف نژادی چه شکل سازگار در می آید. اما گاهی دولت که از سیاست های متعارض بهره می گیرند. مثلا به نظر می رسد که پیش رفت اقتصادی ایران با پیش رفت همزمانی ناسازگار و متعارض است. در آمریکا می بینیم که گاهی ارزش های و منافع آمریکا تقاضی وجود دارد. در مصر منافع آمریکا، حفظ دیکتاتوری مبارک بود ولی در مقابل ارزش های آمریکایی از جمله دموکراسی بود که در تقاضی با منقضی بود. آمریکا نیز دانست از مبارک حمایت کند تا از مردم.

۵) اهداف در جهت حفظ وضع موجود / تغییر وضع موجود : گاهی چون منافع دولت (تأسیس می شود) تلاش می کنند وضع موجود خود را حفظ کنند ولی گاهی برای رسیدن به منفعت بین تر و بالاتر دولت تلاش می کنند وضع خود را تغییر دهند. می تواند این اهداف مقطعی باشد؛ یعنی در مقطعی از زمان دولتی به دنبال حفظ و در مقطع دیگر به دنبال تغییر وضع موجود باشد.

• نقش های ملی (Role)

دولت را بر اساس اهداف و منافع ملی برای خود نقش های در نظر می گیرند.
دولت را بر اساس قدرتی که دارند، برای خود نقش تعریف می کنند.
دولت نقش ها

نقش ها عمدتاً وظایف خود ساخته ی دولت است. مثلاً آمریکا با این ها خود را بیس جهانی می داند.
* نقش ها میانگرم سبک تری ها و جهت تری های سیاست خارجی و منعکس کننده ی اهداف و منافع ملی است.
انواع نقش های ملی ← کشور را به یخبندان / استراتژی انتخاب : به دنبال رای می بخش کشور نمی تحت سلطه در ظلم است.
کشور چین این تری بوده به انتخاب کره

← رهبر منطقه : انجام برض امور منطقه ای و رهبری آن ایران ، ترکیه ، مصر ، عربستان چین نقش را دنبال می کنند

← حامی منطقه : نقش حفاظت از منطقه ای را بر عهده می گیرد ولی در آن منطقه حضور ندارد.

← دولت مستقل فعال : به جریان خاصی وابسته نیست. مغزوی نیست و در تلاش است با حضور خود مشکلات منطقه را حل و فصل کند. مثل ترکیه ، برزیل در آمریکای جنوبی

← مدافع یک اعتماد و ایدئولوژی خاص : دولت که در برابر یک سری ارزش ها نقش ترف می کنند. مثل شوروی (کمونیسم)

← دولت میا جی : نقش پیوند دهنده میان متخاصمین دارد. مثل عمان بین ایران و آمریکا

← کمک به توسعه کشورها : آمریکا ، انگلیس ها ، آلمانی ها بعد از جنگ جهانی و دوران استعمار نقش کمک به توسعه و بازسازی کشورها را بازی می کردند.

← دولت سر مشق و الگو : الگو سازی برای کشور های دیگر مثل ایران ، ترکیه

← نقش موازنه گر : گاهی برض کشورها سعی می کنند توازن برقرار کنند. در لغوی در ۱۸۴۵ انگلستان (بریتانیا) نقش موازنه گر و شات بنش منفعه و قدرت های اطراف را داشت.

نکات : گاهی یک کشور چند نقش ایفا می کند. // کشورها نقش خود را بر اساس قدرت خود تعریف می کنند. //

گاهن سیدیه که وقتن های اعلام و لغانی به دلیل فریب ، معذوریست و ... متفاوت است . // اصول و ارزش های داخل در آرائی نفس های ملی موثر است . // دولت که در راستای اینای نفس های ملی ، ممکن است طرف گزیده ای از اقدامات را انجام دهد از جنگ تا صلح // گاهن ممکن است نفس های که دولت اتخاذ می کنند ، با هم در تقابن باشند . // گاهن دولت که مجبور می شوند نفس های ملی را تعدیل کنند ، کنار بگذارند ؛ مثلاً مشکلات اقتصادی و گاهن قدرت انطباق نفس موثر ~~دولت~~ در خارج میانه را کم رنگ کرد و از بین رفت .

۹۲، ۷، ۶

جلسه پنجم

استراتژی و جهت گیری ملی سیاست خارجی

دولت که بر اساس موقعیت خود تحت تأثیر نظریه بین المللی ، ... سیاست او استراتژی ملی خاص را اتخاذ می کنند .

استراتژی : ریشه اش در علوم نظامی است . حتی آرائی در جنگ بوده است . اما در حال حاضر استفاده می شود در ~~سیاست~~

توزیع به کارگیری منابع است . در راستای آسین بیش تر منافع ملی (strategy)

توزیع : علم و فن توسعه و کاربرد قدرت سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، نظامی (قدرت ملی) در جنگ و صلح به منظور تأمین منافع ملی به صورت حداکثری .

* تاکتیک خرد تر است ؛ شیوه اجرای استراتژی تاکتیک است .

چهار نوع استراتژی وجود دارد : بی طرفی - انزوا طلبی - اتحاد و ائتلاف - عدم تعهد .

۱. استراتژی بی طرفی (Neutrality) : دولت بی طرف در روابط بین الملل دولتی است که استقلال سیاسی آن توسط

قدرت های بزرگ تضمین می شود مشروط بر این که این دولت از نیروی نظامی بهیچ وجه بهره نبرد مگر در صورت تعرض و برای

دفاع از خود . دولت بی طرف اطمینان اتحاد و ائتلاف با سایر دولت ها را ندارد . دولت بی طرف حق دادن

بناگاه نظامی به طرفین خصم جنگ را ندارد . معمولاً این استراتژی به این دلیل اتخاذ می شود که از دانشمندان

دولتی که جلوگیری می کند بی طرفی معمولاً در سه حالت اتفاق می افتاد : ۱. دولتی که حکومت مستقر دارد و به رسمیت

شناخته شده مثل سوئیس و آلمان . ۲. مناطق بدون سکنه (مناطق حائل) مانند بنامان ، ۳. دولت ها برای

این که حائل باشد برای جلوگیری از درگیری . مانند مناطق مرکزی ایران در تقاضای انگلیس و شوروی . ۴. مناطقی که

حکومت آن ها به رسمیت شناخته نشده است و هنوز منازعه بر سر آن وجود دارد مانند کشمیر که محل ائتلاف است .

* برای حفظ بی طرفی نهاد های ایجاد می شود . دولت های بی طرف معمولاً توسط شورای بزرگ برقرار می شوند .

* ایجاد دولت های بی طرف ، مانع از گسترش درگیری می شود .

* بی طرفی می تواند انزوا طلبی منزه باشد .

• دولت‌های به طرف چین و هند، عضو این سازمان ندارند. ششگانه برائین ایجاد می‌شود.

- انواع بی طرفی :

- بی طرفی حقوقی : بر اساس امضای یک قرارداد مشخص دولت به طرف بعد از آن از جانب دولت‌های بزرگ بی طرفی
- بی طرفی سنتی : به منظور جلوگیری از درگیر شدن در جنگ با اعلام می‌شود. مثل ایران در صفت جهانی
- بی طرفی موقت : در جنگ و در یک زمان محدود اعلام بی طرفی می‌شود.
- بی طرفی دائم : استراتژی دائم بی طرفی مثل سوئیس.
- بی طرفی مثبت : دولت به طرف ضمن عدم درود به جنگ ، از ورود سایر کشورها به جنگ تر جلوگیری می‌کند.
- بی طرفی منفی : فقط هدف این است که درگیر نشود با نزدیک به بی طرفی سنتی است.

۲. استراتژی عدم تعهد (Non-alignment) : پس از جنگ جهانی دوم که دنیا به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شد، کشورهای

که مستقر بودند و آزادی شان نقض شده بود ، می‌خواستند تحت قدرت وسیله نه شرقی و نه غربی باشند.

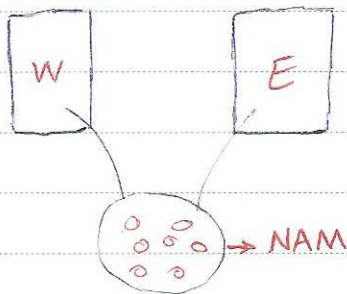
مؤسسان این استراتژی لعل نهرو ، جمال عبدالناصر ، احمد سوکارنو

اجلاس اولی NAM در سال ۱۹۵۵ در شهر باندرنگ اندونزی برگزار شد. در این سال ۲۹ کشور دور

هم جمع شدند و این سازمان را شکل دادند.

اصول عدم تعهد :

- ۱۱ عدم تعهد به هیچ اتحادیه‌ی نظامی.
- ۱۲ تعقیب سیاست هم زوتر سیاست آمیز.
- ۱۳ کمک به جنبش‌های آزادی بخش.
- ۱۴ عدم وابستگی به نگاه نظامی به دوران.
- ۱۵ عدم افتاد و وارداد نظامی با ابر قدرت‌ها.
- ۱۶ احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها.
- ۱۷ کاهش تنش‌ها و رشنس‌های نظام بین الملل.
- ۱۸ شیبایی از کشور ملل متحد.
- ۱۹ رای از استعمار و حرکت به سوی خود استعلائی.
- ۱۰ همکاری مثبت بین المللی.
- ۱۱ مبارزه با تروریسم و امپریالیسم.
- ۱۲ لزوم خلق سلاح.



۱۳۱. عدم مداخله در امور داخلی کشورها.

۱۳۲. مبارزه با توسعه نیافتگی.

دلیل نامی استراتژی عدم تعهد: وجود گروه بندی های داخلی مانند اتحادیه عرب... / ترکیب نامحلول اعضا (اسلام، عرب، شرقی، ...) / شکل گیری ناسیونالیسم و ایجاد تائید بین ملت ها / فقدان ضمانت اجرایی کافی برای تصمیمات / نفوذ قدرت های بزرگ

* تفاوت حوزه های طرف و عدم تعهد: عدم تعهد نیازی به حمایت و تضمین کشور های بزرگ ندارد اما دولت که به طرف به تضمین دولت های بزرگ وابسته است. ۱. سیاست بی طرفی نوعی انفعال و فاصله گیری از فضای بین المللی همراه است اما عدم تعهد سیاسی آگالانه و فعالانه است. ۲. دولت بی طرف شناسایی دولت ها را با احتیاط صورت می دهد اما عدم تعهد چنین محدودیتی ندارد. ۳. بی وعصوبیت بی طرف محتاطانه است ولی عدم تعهد این محدودیت را ندارد. ۴. سیاست دولت بی طرف حفظ وضع موجود است ولی عدم تعهد تغییر وضع موجود را خواستار است. ۵. استراتژی بی طرفی باعث موازنه می گواست ولی عدم تعهد به دنبال برهم زدن توازن گواست.

۳. استراتژی انزوا: شایسته ها!

۳. استراتژی انزواطلبی (Isolationism): مراد آن دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و سایر کشورها به حداقل می رسد. شرایط مثل نیاز های داخلی، آبداری و فشار های داخلی، ساختار نظام بین الملل موجب اتخاذ این سیاست می شود. این سیاست پیش تر در گذشته مشاهده می شده و امروزه وابستگی کشور ها بین گرفته شده است.

* به طور کلی دولت های منزوی به دنبال حفظ وضعیت موجود هستند.
مثال: آمریکا از ۱۸۲۳ تا ۱۹۱۴ بر اساس دکترین مونرو اعلام کرد که به کشورهای اروپایی کاری ندارد و اجاره ای نزدیک شدن دولتی به آمریکا را هم نمی دهد.

* عوامل فلسفی، ایدئولوژیک، خود کفایی اقتصادی، موقعیت جغرافیایی در انزواطلبی خصل مهم است. مثلاً انحصار آمریکا بین دو دریا عامل مهم بود در دوری از جنگ و درگیری و همین باعث انزواطلبی و قدرت گیری آمریکا شد.
* دولت های تجدید نظر طلب نمی توانند منزوی باشند. امروزه انزواطلبی کم تر دیده می شود چون وابستگی خصلی گسترده شده است.

۹۲، ۷، ۲۱

جلسه ی سوم

۴. استراتژی اتحاد و ائتلاف (Coalition & Alliance): به معنای قبول تعهد است در برابر یک یا چند دولت دیگر در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ... پیش تر جنبه های اتحاد در مسائل نظامی بوده است تا جنگ جهانی

دوم. نیازهای داخلی یک کشور، مشارکتی بین المللی، نیازهای اساسی اندوخته‌های، میزان تهدیدها، شرایط ژئوپولیتیک و ... در اتخاذ این نوع استراتژی مؤثر است.

دو اتحاد معروف کنونی، ناتو و گامهر ورود به ائتلاف، جنبه‌های باز دارندگی دارد.

- گاهی برای افزایش نفوذ دیپلماتیک وارد ائتلاف می‌شود؛ برای افزایش توان جانب‌زنی.

- در گذشته ائتلاف‌ها منطقه‌ای داشته اند ولی امروزه با از بین رفتن فاصله‌ها، اتحاد و ائتلاف‌های جهانی شکل گرفته است مثل اوپک

- به طور کلی منافع کشورها موجب ورود به ائتلاف‌ها می‌شود و آن برای استراتژیست است.

*** انواع اتحادها:**

۱- **اتحاد طبیعی:** دو دولت خواسته‌های مشترک دارند و منافع مواری است و نیازهای ورود به اتحاد در سه زمینه؛ در زمان شاه، ایران و اسرائیل این گونه بوده اند.

۲- **اتحاد برای حفظ وضع موجود:** برای حفظ ساختارها، حفظ نظم بین المللی؛ گفته‌های وین.

۳- **اتحاد تجدید نظر طلبانه:** دولت‌هایی که وارد اتحاد می‌شوند و قصد دارند وضعیت موجود را تغییر بدهند و شرایط موجود را به نفع خود نمی‌بینند مثل آلمان، ایتالیا، فرانسه.

۴- **اتحاد دو منظوره:** دو دولت دو مسئله‌ی بظاهر متعارض را هم‌زمان پیگیری می‌کنند. مثلاً جراحی با رقیب برای شرکت دشمن مشترک. مثل همکاری ایران و آمریکا برای نابودی القاعده.

- **نوعی از این روش اتحادها:** عملی شدن حذف: وقتی دولت‌ها به حذف خود می‌رسند اتحاد که از بین می‌رود.

مثل اتحاد آمریکا و شوروی پیش از جنگ سرد در جنگ جهانی ضد آلمان. (عملی شدن حذف: مثال)

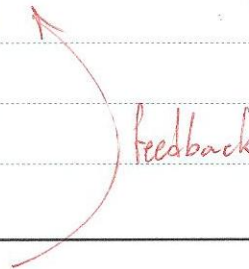
شکل جمهوری عربی ^{مقدونیه} و مصر در زمان جمال عبدالناصر که چون شعارها عبدالناصر به نظر نشست، از هم با هم.

۴- اختلاف طرفین معاهده؛ مانند چین و شوروی بعد از جنگ جهانی دوم. (تغییر حذف یک متحد)

۵- روی کار آمدن خلیفان جدید؛ مثل بعد از انقلاب اسلامی یا بعد از فروپاشی شوروی که مانده‌های بغداد

■ مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی؛

مدل قیف ارائه شده توسط روزنباوم



منابع خارجی (External sources) : ماهیت نظام بین الملل و محیط بیرونی یک کشور بر سیاست خارجی آن مؤثر است. ساختار نظام بین الملل، نوع نظم قدرت در نظام بین الملل، ساختار کسب و کاری و غیره (جنگاری)، برخی قواعد و مقررات بین المللی مثل حقوق بین الملل، سازمان ای بی ایسی تأثیرگذار است. لذا ساختار نظام بین الملل می تواند فرصت ها و چالش ها را در نحوه سیاست گذاری خارجی کشورها ایجاد نماید.

منابع اجتماعی (Social sources) : تمام متغیرهای غیر دولتی و غیر حکومتی که جنبه های ملّی دارند مانند مؤلفه های فرهنگی، خصوصیات و ارزش های ملّی، فرصت سیاسی مردم، ایدئولوژی و مذهب، مؤلفه های تاریخی، متغیرهای جغرافیایی از جمله منابع انرژی، جمعیت، موقعیت ژئوپولیتیک، متغیرهای اجتماعی، جامعه ی مدرنی (تفسیر علما و روحانیون در ایران، لابی های صهیونیستی در آمریکا)، افکار عمومی، نوع نظام اقتصادی، پیشرفته بودن یا عقب ماندگی کشور...

۹۲، ۷، ۲۸

علمی هفتم

در جنبه های گذشته اشاره شد که منابع خارجی شامل همه دسته است: ماهیت نظام بین الملل، ساختار نظام و روابط با سایر کشورها که اثرگذار است. External sources

تأثیر مثبت ← مبتنی بر بی اعتمادی است.
وابستگی متقابل ← مبتنی بر همکاری است.

ساختار نظام | توزیع قدرت ← متفرد قطبیت است (نوع قطب بندی)

روابط با سایر کشورها | مثلاً روابط با سایر کشورها برای ایران اثرگذار است؛ همسایگان ایران بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر است.

منابع حکومتی (Governmental sources) : ساختار ای حکومتی که بر رئیس های سیاست خارجی اثر می گذارد مثل ماهیت نظام سیاسی که می تواند باز یا بسته باشد؛ دموکراسی یا اقتدارگرا باشد در نظام اقتدارگرا، تصمیمات سیاست خارجی شخص، به سرعت و با ریسک بالا گرفته می شود. ولی در نظام دموکراسی با دقت بالا و سرعاً کمتری اتخاذ می شود. نوع ساختار حکومتی نیز مؤثر است. این که سیستم ریاستی باشد یا شبه ریاستی یا پارلمانی، اثرگذاری متناظر می شود. مثلاً در نظام ریاستی آمریکا، رئیس جمهور فرماندهی کلّی قواست، اعلان جنگ و صلح با اوست. در رأس این ساختار قانون اساسی است که می تواند سیاست گذاری های خارجی را تعیین کند. بهر حال این سیاست خارجی نیز مؤثر است. مثلاً در آمریکا جلسات هیات دولت به طور منظم و منبسط برگزار نمی شود بلکه در ایران قانون اساسی مجلس از قانون گذاری را به مصوبات هیات دولت موقوف کرده است. حالگاه افراد در نظام حکومتی مؤثر است.

۴) منابع نفسی (Role sources) : دلالت دارد بر تأثیر مقام بر رفتار صاحب مقام ؛ یعنی تأثیر آن که یک نقش و شغل بر رفتار افراد لای وجود دارد . برخی نسبت ها محدودیت های را برای افراد ایجاد می کنند . نقش که بر افراد تحمیل می شود مؤثر است .

* نکته : نفس یا متغیرهای فردی رابطه ای معلوس دارد ؛ یعنی هر چه شخصیت فرد قوی تر باشد ، نفس او ضعیف تر است . به عبارت دیگر اوست که بر نقش سوار است نه نفس بر او . مثلاً شخصیت آقای لاریکایی به گونه ای است که هر جا که می رود در هر قسمتی قرار می گیرد ، دولت دارد ، سازمان و نهاد بر او بطور گسترده نقش می زند .

۵) منابع فردی (Individual sources) : همان طور که در گذشته گفته شده ، سطح تکمیل فردی بویک ترین سطح تکمیل عضو هیئت فردی شکل : نحوه تکمیل افراد ، تربیت افراد ، جایگاه اجتماعی افراد ، جامعه پذیری افراد و ... در سیاست گذاری خارجی مؤثر است . سلامت افراد نیز تأثیرگذار است . حضور آقای ظریف در مذاکرات بروکس و لیچر مناسب نبود و پرستیژ ایران را کمی ضراب کرد . روحیات و خلقیات افراد مؤثر است . خصوصاً در شرایط بحرانی جایگاه هم ترکیه صریحاً بر میزان گرایش فرد ، تمرکز او ، اعتقادات شخص ، تجربه گذشته هم دهم اثرگذارند بر سیاست خارجی

۹۲، ۸، ۱۲

جلسه هفتم

انزالی سیاست خارجی

مهم ترین ابزار دیپلماسی است .

دیپلماسی (Diplomacy) : گاهی آن را مترادف سیاست خارجی می دانند .

گاهی آن را مترادف با مذاکره یا فرآیند انجام مذاکره می خوانند .

دیپلماسی به معنای اداره و دستگاه سیاست خارجی یک کشور است .

توانایی شخص یک دولت در رفتار بین المللی موجود می دهد .

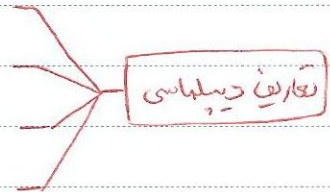
دیپلماسی به معنای فریبکاری و دغلیکاری (ناجسندی منتفی نیست) .

شده می اجرای سیاست خارجی در معنای کلان .

روش تقابل و مذاکره رفتار در روابط خارجی یک کشور .

حضر مذاکره به منظور حداقل کردن منافع متخاصمان .

در تمامی منافع متخاصمان از طریق ابزارهای سلامت آمیز (توقیف مورلینا)



دیپلماسی و روابط خارجی رابطه ای مستقیم دارند . دیپلماسی ، سیاست نیست ؛ بلکه شیوه و روش اجرای سیاست خارجی است .

کار کرده های دیپلماتی

- ۱- بیان اهداف بلند کشور به شیوه‌ی قابل حصول و ابراز آن موجود اگر از توانایی‌ها اطلاع نداشته باشیم، به صرف نگرشیم. اگر از توانایی‌ها کم‌تر استفاده کنیم یا در توانایی‌های خود غفلت کنیم ما به هدف خود نمی‌رسیم.
- ۲- ارزشیابی اهداف سایر بزرگان: ارزشیابی این که طرف مقابل چه می‌خواهد، ما را در مذاکره پیش می‌برد. ارزشیابی از طریق سبب‌های اعلامی معمولاً حاصل نمی‌شود. باید نسبت طرف مقابل را شناخت.
- ۳- ایجاد سازگاری میان بزرگان مختلف: هنر دیپلمات است که با قدرت چانه‌زنی خود، بیشترین سود و کمترین ضرر را برای کشور حاصل کند. توان اذعان، چانه‌زنی و نزدیک کردن منافع در دیپلمات.
- ۴- استفاده از ابزارهای مختلف جهت تأمین منافع: اذعان، تهدید، تطبیع، ...

وظایف دیپلماتی:

- نمایندگی کشور
- انجام مذاکره
- کسب اطلاع و ارزشیابی مسائل کشور مقابل
- کمک به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

نکاتی در مورد دیپلماتی: دیپلماتی، هنر است؛ فن است؛ به یک معنا علم نیست. دیپلماتی، حفاظت است؛ خوش بین اند. // ادبیات دیپلماتیک تفاوت و پیچیدگی است. برخی اصطلاحات دارند که فقط خودشان می‌فهمند.

انواع دیپلماتی

- دیپلماتی سنتی: به لحاظ ساختاری، فرآینده و دستور کار، تفاوت از دیپلماتی مدرن است.
- دیپلماتی ساختاری، مربوط به دولت - دولت است. + دیپلماتی شخصی بوده است و معمولاً بین شاهزادگان دولت‌ها بوده است + دیپلماتی غیر تخصصی بوده است. یعنی بر وکراسی شخصی تکیه داشته است.
- نامنتظم است + منافع روی نقش تعریف نشده است.
- به بی‌ظرف‌اندزی، به‌طور شخصی، دو جانبه، محقق و بدون وجود توانمندی‌ها صورت‌ها امروزی بوده.
- دستور کار، محدود به خواسته‌ها گمان بوده است.
- خطبه دیپلماتی سنتی، محدود به جنب و جلیج بوده است.

← دیپلماسی مدرن : مربوط به قرن ۲۰ - منظم است ، اصولی است وزارت خارج است سازمان های بین المللی و روز
پیدا کرده اند ، دولت آنها

به لحاظ فزاینده ، محاسبات و مقررات بین المللی ، دیپلماسی را چهار چوب منظم کند
دیپلماسی های جدید آشکار و پنهان هستند
حساسیت اظهار عمومی در دیپلماسی مدرن بیش تر شده است

← دیپلماسی آشکار : مشخص است ، بعضی کلمات گفته می شود
مبدع آن ، نیلسون بوده است

← دیپلماسی پنهان : بخش عده ای مذاکرات ، پنهان است

← دیپلماسی سازمان های بین المللی : به دلیل گسترده شدن سازمان های بین المللی ، نیاز به دیپلماسی را بالا برده است

← دیپلماسی مسیر دوم (Track II) : دیپلماسی اشخاص غیر دولتی و غیر حکومتی است ، معمولاً از این نوع دیپلماسی در شرایط
و غیره استفاده می شود . تعافت آن برای دولت ها گم تر است چون جنبه بی طرفی
دارد

جلسه پنجم

۹۲، ۸، ۱۹

← دیپلماسی دیجیتال : نوعی دیپلماسی در فضای مجازی و بر اساس تکنولوژی های روز و بر آنتن های زیر ساخت ها اطلاع و ارتباط

صورت می گیرد و پاسخ است در برابر مجموعه تحولات سریع و دائمی در خدمات خارجی دولت ها
پاسخ است به چهره های سازماندهی و عملکرد دستگاه دیپلماسی به این معنا که وزارت خارج مجبور است که امکان
خود را از طریق فضای اینترنت و انجام دهد و باعث مرکز است
پاسخ است به ماحضت اطلاعات در عصر فعلی به سرعت تولید و پردازش می گردد
حذف بسیاری از تشریفات است

پاسخ است به کاهش شدن و تحرک و سرعت بالای دیپلمات ها
شفافیت و پاسخگویی وزارت خارج در بستر دیپلماسی دیجیتال اهمیت می یابد
توسعه و پیش رفت روابط بین الملل در فضای دیپلماسی دیجیتال می

ویژگی های دیپلماسی دیجیتال :

- شبکه ای بودن و فضای قابل انعطاف آن است ، نسبت به دیپلماسی سنتی انعطاف پذیر است
- کارآمد بودن و مدیریت زمان

کاهش هزینه ها .

چند بصری بودن : محدود به روابط دو جانبه نیست .

بازخوبی و مسئولیت پذیری بیشتر .

ابزارهای دیپلماسی دیجیتال : وب سایت ها // فضای اینترنت و اینترانت // سفارتخانه های مجازی // بانک اطلاعاتی ...

جلسات های دیپلماتی دیجیتال : مهم ترین چالش این است که هنوز اهمیت روابط دو جانبه سنتی و حضوری کاهش نیافته است . نکته ی دیگر برپین های است که نسبت به امنیت این شبکه ها وجود دارد چنان که اکنون جاسوس های آمریکا با ابزار همین مسئله است . نکته ی بعد واکنش دیپلمات های گهنگار و تعامل با شبکه های جدید است . چالش چهارم ، تورسیم امنیتی است . همچنین چالش این است که لازم است آموزش داده شود (فقدان مهارت) . این نوع دیپلماسی ، وابستگی شدید به فناوری را سبب می شود .

دیپلماسی پارلمانی : در دو متوله تقسیم بندی می شود یکی فعالیت های بین المللی پارلمان یک کشور ؛ دوم نهاد های فراملی پارلمانی (سازمان های که نقش فراملی دارند)

* فعالیت آیین المللی پارلمانی : ملاقات رسمی و غیررسمی با پارلمان های دیگر کشورها . نقش گروه های دوستی پارلمانی که طاقن تأسیسات مشخص پیدا می کنند . مطالعه و بررسی طرح سوال و استیضاح وزارت امور خارج و دیپلمات ها .

* نهاد های فراملی پارلمانی : مثل اتحادیه ی بین المللی پارلمانی ، اتحادیه ی بین المللی بین المللی ، پارلمان بین المللی آسیایی ، پارلمان اروپا ، آفریقا ، حل و فصل مناقشات بین المللی با نظارت بر انتخابات کشورها ؛ مبدیره با تورسیم ؛ مسائل اقتصادی و نظامی ؛ ...

نکات : نکته ۱ : در دیپلماسی پارلمانی ، نهاد های مختلف یک پارلمان و مجلس می توانند تأثیرگذار باشند ؛ از لایحه های مختلف تا کمیته های مشورتی .

نکته ۲ : در دیپلماسی پارلمانی شیوه های رسمی و غیررسمی وجود دارد .

نکته ۳ : در دیپلماسی پارلمانی ، طاقن برخی افراد جایگاه ویژه ای می یابند .

نکته ۴ : دیپلماسی پارلمانی ، می تواند انگیزه نظرات مردم باشد .

نکته ۵ : دیپلماسی پارلمانی ، می تواند مجرای ارتباط شهروندان مختلف با هم باشد .

دیپلماسی عمومی : بر نامه های مورد حمایت دولت که به صرف اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر افکار سایر مردم کشور ؛

تأثیرات : شامل برنامه های است از جمله انتشار کتاب ، آموزش زبان ، نمایشگاه ها و جشنواره های فرهنگی ؛

رادیو و تلویزیون ، مجامع ها ، فیلم و سینما و ...

تأثیرگذاری بر نظرس عمومی مردم کشور های دیگر براساس شکل دهی افکار عمومی

ت۴: برخی آن را معادل تبلیغات و پروپاگاندا می دانند.

ت۵: تعریف NSA: تقویت منابع ملی از طریق شناسایی، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش همکاری های خارجی با آنان.

* دیپلماسی عمومی از فضیلت، تبلیغات،

* آلمان، فرانسه، چین و آمریکا از پیش روان دیپلماسی عمومی است.

انزازه های دیپلماسی عمومی: رسانه های صوتی، تصویری، اینترنتی، ... به BBC از قدیمی ترین رسانه های دیپلماسی عمومی است. | تبادلات علمی و دانشگاهی به پرسنل آبی دانشگاهی | انتشارات، کتب، مجلات | ورزش | تبادلات فرهنگی؛ سینما، هنر، تئاتر | بازی های رایانه ای | شبکه های ماهواره ای | تبلیغات.

* در پیش برد سیاست خارجی، ابزار اقتصادی نقش مهمی دارد؛ در مقوله ای زیر:

۱. تعرفه، کاهش یا افزایش تعرفه، واردات و صادرات، موجب تنبیه یا تشویق کشور مقابل می شود.
۲. سهم بزرگی.
۳. تحریم و فشار.
۴. تحریم مبارزه ای کالا.
۵. اعطای وام و اعتبارات.
۶. تنظیم لیبت ساید.
۷. صدور مجوز خاص.
۸. مسدود کردن (بلوکه کردن) دارایی ها.
۹. فروش نظامی یا تعرف آن.

۱۰. کمک های اقتصادی خارجی (Foreign Aid): تعیین کردن سیاست از طریق کمک های اقتصادی.

مانند کمک های اقتصادی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم برای بازسازی کشورهای اروپایی. کمک اقتصادی بلاعوض است.

اهداف کمک های اقتصادی: * تقویت صلح و امنیت بین المللی. * حمایت حقوق بشر * تقویت دموکراسی * بهبود رفاه اقتصادی کشورها * جلوگیری از بلایای طبیعی * کاهش بیکاری است برای انجام کارهای دیگر از جمله جاسوسی، فروش سلاح و ... * اهداف ایدئولوژیک * منافع تجاری را تأمین کردن * مبارزه با تروریسم

شبهه های کمک اقتصادی: پول نقدی - کالا و تجهیزات - زیرساخت های اجتماعی را تقویت کردن - آموزش دادن - انتقال تجربیات.

انزازه های دخالت جهانی سیاست خارجی: با عملیات مخفی و مداخله ای نظامی: فروش سلاح، تجهیز نیروی نظامی، اقدام به ضد

- ۲. اقدامات براندازانه، کودتا، جاسوسی.
- ۳. جنگ های چریکی، پارتیزانی در سطح کوچک و بزرگ.
- ۴. جنگ رسمی، آخرین مرحله از طرف ابزارها سیاست خارجی است.
- * به طور کلی همه ای از برای سیاست خارجی از ذیل دیکه پس قرار دارد.

۹۲، ۸، ۲۶

جلسه دهم

* در مورد ارتباط میان **تظاریات روابط بین الملل و سیاست خارجی** ۳ درگاه وجود دارد:

۱. دو حوزه جدا از هم هستند. روابط بین الملل یک قضای کلی را تبیین می کند و بی سیاست خارجی تعینات یک کشور است.
۲. دو حوزه متکامل هم هستند. یک حوزه، طاقان تر و حوزه ای دیگر خود تر است. گاهی سیاست خارجی بر نظریات روابط بین الملل نظیر دارد و گاهی برعکس.
۳. نظریات روابط بین الملل اصل و مادر است اما نظریات سیاست خارجی شیوه فرزند می باشد.

* تطبیق ۱-۲/۱ یک نظریه بر اعمال سیاست خارجی یک کشور عملاً غیر ممکن است.

رئالیسم و سیاست خارجی

- مؤلفه های رئالیسم
۱. دولت محوری: بازنگر اصل دولت است.
 ۲. خود محوری: برای بقا فقط متکی به خود است.
 ۳. قدرت محوری: منافع هم بر اساس قدرت تعریف می شود.
 ۴. اصول اخلاقی را نمی توان بر حسب منافع سنجید: منافع بر اطلاق اولویت دارد.
 ۵. حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی با بدبین دیده می شوند.
 ۶. سیاست بین الملل را منازعه آمیز و جهت گسیب و افزایش قدرت می بینند. جنگ جزو لاینفک روابط بین الملل است.
 ۷. رئالیست ها بر توازن توانا تأکید دارند.
 ۸. نظام بین الملل را آنارشیک تعریف می کنند.
 ۹. عدم اعتماد، فضای بدون اطمینان.
 ۱۰. منافع را ابدی و تغییر ناپذیر می دانند.
 ۱۱. انسان شناسی بدبینانه: انسان ژرگ انسان است.

مکاتب رئالیستی

رئالیسم کلاسیک: مربوط به مباحث فروع علمی و غیر روشمند است. تا جنگ سرد و تشکیل روابط بین الملل قضای حکم بین بر
 رئالیسم کلاسیک بوده است. روش آن تاریخی است.

• **نظریه رئالیسم** : تأثیر ساختار بر دولت و فرد بررسی می شود. دو شاخه کی رئالیسم تدافعی و تهاجمی از آن استخراج می شود.
 در رئالیسم تهاجمی اصل، افزایش قدرت است و در رئالیسم تدافعی، افزایش امنیت اصل است.
 • **رئالیسم نئوکلاسیک** : تلفیق سطح اول و سطح سوم است. فقط تأثیر لژ از هسته است. دولت لاجرم می تواند باز برگرداند خود را
 را داشته باشند.

نظریه رئالیسم : موازنه قوا : مانع مگره قوا می شود / موازنه می دهد / ثبات خردمندیک : دولت لاجرم دنبال این هستند که
 بخشر با تمام نظام بین الملل را در اختیار بگیرند / انتقال قدرت : زمان است که یک قدرت رقیب قدرت خردمند را تصنیف کند و جایی خردمند
 را مهار کند.

تأثیر نظریه رئالیسم بر سیاست خارجی :

- **استنباطات تحلیلی** : ۱. **کلیسیم** آثار شرح یا منازعه مفروض صدور صدی رئالیسم است. هیچ پیش فرض رئالیسم، آثارش
 و منازعه نیست. اما منظومه فکری رئالیستی در شرایط آثارش و منازعه جواب می دهد. مثال : اروپا در بالکان
 ۲. اگر منازعه را مفروض رئالیسم بدانیم، دیگر شرایط مسالمت آمیز معنا ندارد. مفروض نباید منازعه باشد ولی در شرایط منازعه
 جواب می دهد. رئالیست فقط در شرایط منازعه و رقابت جواب می دهد نه در شرایط دیگر. این روش اصل بر رقابت و منازعه
 است، بنابراین در غیر این شرایط جواب نمی دهد چون خودش وارد نشده است.

نقدهای تحلیلی از سیاست خارجی کشورها که مبتنی بر رئالیسم

- در سال ۱۹۰۰ م. از برای وزیر جنگ روسیه تزاری : روسیه دولت خود را آن قدر ضعیف و موجود است که نازی برای سال
 مناطق سرزمینی جهت تأمین منافع ندارد. هرگونه تلاش برای گسترش سرزمینی باعث ایجاد اتحاد و اختلاف می شود یا
 با توجه به قدرت روسیه، در صورت خرد کردن و ایجاد اتحاد علیه روسیه، روسیه توان مقابله با آن را ندارد.
 در نتیجه روسیه باید در جهت تنش زدایی پیش برود و وضعیت موجود را حفظ کند.
 این ارزیابی بر پایه نظریه موازنه می دهد و معنای امنیتی است.

- در سال ۱۹۰۷ م. یک دیپلمات انگلیسی در نامه ای به دولت و حواسمان به قدرت گرفتن آلمانی ها باشد. تا کند دارد
 بر باز دارندگی آلمانی ها.

- **کلفر اف جورج کتان** معروف به کلفر اف طولانی ۱۹ م : شوروی به یک کشور میلیتاریستی تبدیل می شود و تهدیدی برای ما است
 باید باز دارندگی کرد.

- **کسینجر** در دهه ۵۰ ل م : قدرت آمریکا رو به افول است و آمریکا تمام توان خود را برای باز دارندگی شوروی صرف کرده
 ما باید از توان خود ضد شوروی کم کنیم و به جای آن با مخالفان شوروی متحد شویم.

- **براندی** دهه های ایران : غرب هر چه استی شده ایران خطرناک است. انتقال سلاح هسته ای به مخالفان

آمریکا و اسرائیل صورت می‌گیرد. افزایش احتمال جنگ اوجوب می‌شود. همای امنیت ایجاد می‌کنند و لذا سایر کشورها منصفانه به دنبال تولید سلاح پیش خواهند رفت.

۹۲، ۹، ۳

جلسه یازدهم

۱. تحلیل کمی غلط رأی‌گیری. بیشین رأی‌دهندگان بر مابین ناپذیری جنگ سرد، چون صلح بین المللی، ادانه‌ی جنگ را اقصا می‌کرد ولی به شرایط داخلی توجه نداشتند.

۲. پایان جنگ سرد موجب ایجاد جنگ‌های عمده در اروپا می‌شود؛ در حالی که چنین اتفاقی نیافتاد؛ چرا که در نگاه بی‌طرفی داشتند.

۳. معتقد بودند که پس از جنگ سرد، نظم جدید جهانی بر ضد آمریکا شکل می‌گیرد؛ نظریه‌ی هگلایی، جایی آن ایجاد شد.

* لیسر السیم

مولفه‌ها: به ذات بشر خوشبین هستند، خوی درونی ندارند.

- بر اخلاقیات تأکید دارند.

- تأکید بر همکاری بین المللی.

- تأکید بر حقوق و نهاد های بین المللی. آفرایش نظام نهاد های بین المللی کاهش می‌دهند.

- جنگ و منازعه قابل کنترل و مهار است.

- تأکید بر منافع مشترک بشری.

- اعتماد بر بازی با حاصل جمع غیر صفر (بازی برد-برد).

- امنیت زودما امنیت سطح آمراری نیست.

- تأکید بر امنیت دسته جمعی به جای خود انکاپی.

- تلاش برای ارزش های غیر الیسری.

اشکال و ویژگی های لیسر السیم در سیاست خارجی: **۱. صلح لیبرالی:** مبتنی بر این است که دموکراسی با هم

نمی‌کنند. **۲** ستیزه جویی نسجیده‌ی کشورداری ایران و غیر ایران به ظلم داری کشورداری ایرانی و کشورداری غیر ایران با
 بهانه‌های دموکراسی، حقوق بشر، دفاع از خود، دفاع از مردم سرزمین سابق. **۳** عادت‌های طبیعی و انزواطلبی، کاهش
 قابل به حضور در عصری بین المللی که موجب شکست این برای آن‌ها نیز شده است. سیاست سازش (appeasement)
 سیاست‌های آغازی کشورهای سیرالسی

- « کشورداری ایران از سایر کشورداری ایرانی دفاع می‌کند؛ به نفع آن، بعضی می‌کنند؛ حکمت کشورداری را بر دفاع از
 هم مسلطان خودشان نادیده می‌گیرند.
- « تضمین حقوق فردی و مدنی؛ گسترش بازار آزاد.
- « ورود به جنگ برای ایجاد دموکراسی؛ مثل جمله به عراق و افغانستان.
- « حفظ صلح بین اعضای ائتلاف مثل ناتو، سازمان تجارت جهانی.
- « گسترش ارزش‌های ایرانی از طریق قدرت نرم یا سخت.
- « تلاش برای اتمام جنگ.
- « مداخله.

* روابط کشورداری ایران و غیر ایران معمولاً شکنجه است و فضای بین آن‌ها بی‌اعتمادی است. اما روابط کشورداری
 ایرانی با هم دیگر مناسب است و بیشتر بر همکاری - ایران با معتمدند نظام آن‌هاش، همان است لکن می‌گویند این آثارش
 قابل کنترل است.

*** سازه انگاری [Constructivism]**

یک سیر منطقی را برای خودی و نتیجه‌ی تعریفات خودشان در سیاست خارجی در تعریف می‌کنند:

هنجارها و ارزش‌ها ← هویت ← منافع ← نقش‌ها و اهداف سیاست خارجی ← سیاست خارجی (خروجی)

سؤال: سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل بر پایه‌ی یک سری ارزش‌ها مثل امنیت‌گرایی، شرف‌بودن،
 مسلمان بودن شکل گرفته؛ یک هویت برای ما ایجاد کرده؛ منافع برای ایران انحصار می‌کند؛ نقش سنتز
 انقلاب را برای ایران ایجاد کرده است؛ استکبارستیزی و عاید از مستضعفان هدف سیاست خارجی شده است.

*** هویت‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟** درک جمعی و فهم اجتماعی؛ ساختن جعبه‌ی فضای بین‌الادها که مشترک است
 در طول زمان ایجاد می‌شود، عامل شکل‌گیری هویت است. لذا سازه انگاری بر فهم اجتماعی بیس‌تر از مسائل
 مادی توجه می‌کند. (آمریکا و اسرائیل هر دو سلاح هسته‌ای دارند ولی چون فهم مشترک و توانمندی‌هایشان دارند، مشکلی
 به وجود نمی‌آید.) اگر ارزش‌های دوستانه داشته باشند به سمت همکاری می‌روند ولی اگر ارزش‌های خصمانه داشته‌اند
 به سمت جنگ می‌روند.

۹۲، ۹، ۱۰

جلسه دوازدهم

نمونه‌ای از تحلیل سازه نظری :

- در رویکرد رئالیستی فقط به خروجی سیاست خارجی توجه می‌شود یعنی در سازه نظری، منافع و اهداف اجزاء دستگاه سیاست خارجی نیز در نظر گرفته می‌شود. روابط و پیغم کسب این قسمت از خروجی را شکل می‌دهند البته فقط روابط بین اجزاء تأثیرگذار است بلکه می‌تواند محیط را هم مؤثر باشد، ممکن است همبستگی بین المللی یا تعهدات بین المللی و... در شکل‌گیری سیاست خارجی اثرگذار باشد. سازه نظران مسائل مادی را نادیده می‌گیرند ولی رئالیست‌ها همبستگی‌ها را نادیده می‌گیرند.
- جنگ سرد فرا تمام شد؟ سازه نظران می‌گویند این زمان بود که در ذهن خود رقابت را کنار گذاشتند. در حالی که رئالیست‌ها می‌گویند یک طرف جنگ تضعیف شد و این موجب پایان جنگ سرد شده است. بی‌رالیست‌ها می‌گویند همکاری موجب پایان جنگ می‌شود. بی‌رالیست‌ها استفاده از همکاری و نهادی بین المللی به طور عملی را در نظر می‌گیرند. در واقع بی‌رالیست‌ها اقدام عملی را مدنظر دارند.
- اتحادیه اروپا، حقوق شهروندان و مهاجرین. رویکرد رئالیستی: نباید اجازه دهیم چون خودمان بیچاره داریم. سازه نظری: بر اساس یک تضاد بین لازم‌الاجتناب و همکاری، لازم است این تضاد را بپذیریم.
- تأثیر همبستگی بین المللی بر تصمیمات داخلی یک کشور، مثل حقوق بشر. در کشور ما هم تا حدود زیادی همبستگی بین المللی مربوط به حقوق بشر را نپذیرفته‌ایم.

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی | Decision-making in F.P.

- بخش مهم از سیاست خارجی، تصمیم‌گیری است. همیشه مورد بررسی است و هکذا کسی نمی‌تواند از آن سینه شده است مفهوم تصمیم‌گیری: انتخاب یک راه از میان راه‌های موجود.
- تعریف ۲: فرآیند انتخاب شیوه عمل خاص برای حل یک مسئله مشخص.
- تعریف ۳: عمل گزینش میان راه‌های جایگزین یا آلت‌ناتیوهای موجود که در مورد آن تعیین و تطبیق ندارد.
- تعریف ۴: تصمیمات بیرون‌دادی یک نظام سیاسی هستند که از طریق آن‌ها، ارزش‌ها به نحو اقتدار آمیز در داخل جامعه ترویج می‌شود.
- * بعد از جنگ جهانی دوم نظریات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی گسترش یافتند و افرادی مانند: Sapien ، Allison ، Brooke ، Simon و Snyder از نظریه پردازان آن هستند.

جلسه سیزدهم

۹۲، ۹، ۱۷

« مدل های تصمیم گیری در سیاست خارجی »

- ۱۲) ویژگی های تصمیم گیری در سیاست خارجی - اما طیف گسترده ای از اهداف، فرآیندها و طرح ها است.
- ۱۳) مخاطبان (بازنگران) متفاوت هستند که لزوماً همسان نیستند و واکنش های مختلفی وجود دارد. مثلاً آمریکا تصمیم می گیرد حمله به عراق، مخاطبان مختلفی را پیش رو دارد: کشورهای موافق، مخالف، متحد، اسلامی، گروه های تروریستی و ...
- ۱۴) رسیدن به اجماع بین بازنگران سیاست خارجی بسیار سخت است؛ هم در داخل و هم در خارج.
- ۱۵) کنترل باید که دشوار است.
- ۱۶) منابع گسترده در مواردی و گاهی هم محدودیت منابع می تواند موجب مشکلاتی در تصمیم گیری می شود.
- ۱۷) فقدان تجربه گذشته، گاهی منجر به بروز گزینه ها، تصمیم گیری را دشوار می کند. آمریکا بر حمله به ایران عمل می کند از تجربه جنگ عراق و حمله به عراق استفاده کند و از همان تجربه بهره می برد، چون کاملاً شرایط ایران متفاوت از عراق است.
- ۱۸) دشواری تشخیص ارزشیابی اقدامات.
- ۱۹) یک فضای نا اطمینانی و ریسک در سیاست خارجی وجود دارد.
- ۲۰) تفاوت های فضای ارزشی بازنگران مختلف رسیدن به توافق را دشوار می کند.
- ۲۱) وجود فاصله های زمانی بین مواجهه با یک مشکل و بروز مشکلات مختلفش و همی جنبه های آن.
- ۲۲) اختیارات تصمیم گیری: منظور، سلسله مراتب جایگاه سیاستمداران و نهاد های تصمیم گیرنده و درگیر است.

فرآیند تصمیم گیری: نحوه ی تبدیل داده ها به خروجی

عوامل و منابع مؤثر در تصمیم گیری: آن دسته از توانمندی ها، محدودیات و محیط تصمیم گیری است.

الگوهای تصمیم گیری: چهارچوب تحلیلی است که کمک می کند به ما برای درک نحوه ی تصمیم گیری در سیاست خارجی کشورها، الگوها و مدل های تصمیم گیری.

۱) مدل بازیگر خردمند / عقلانی تصمیم گیری [Rational Actor model]؛ تراهام آلیسون

انسان را موجودی عاقل و خردمند تصور می کنند که بر اساس خود خودش در یک فرآیند هزینه فایده، منافع و مضرات یک سیاست را در نظر می گیرد و به یک نتیجه می رسد.

مفروضات: تصمیم گیری را در شرایط کامل برد اطمینان کامل می کنند. تصمیم گیرنده تمام اطلاعات را در اختیار دارد و می تواند استفاده از آن را هم دارد. // معیارها و ملاک های انتخاب مشخص اند. // تصمیم گیرنده دارای یک نظام دوجان منظم است. // تصمیم گیرنده ضمن برخورداری از توان محاسبه سود و زیان هر گزینه می تواند آن را با هم مقایسه

گنذ و با آزادی انتخاب کند. // در چراغ خوب خصوصیات تصمیم گیرنده قادر است بهترین تصمیم را بگیرد.

* در این مدل ، تصمیم گیرنده به چند سوال زیر پاسخ می دهد:

۱. مسئله چیست ؟ راه حل کس این مسئله چیست ؟

۲. هزینه ها و فواید هر راه حل چیست ؟

۳. ارزش ها و منافع ملی در مورد هر راه حل چیست ؟

۴. محدودیت های استراتژیک اندام چه تاثیری در برین داد سیاست خارج دارد ؟

انفعالات نسبت به این مدل - مبنای این مدل رالیسم است و بر اساس سود و هزینه پایه است.

۱. عواطف انان را در این فرآیند لحاظ نمی کند. انسان را مانند ماشین و کامپیوتر فرض می کند.

۲. همیشه اهداف مشخص نیست و خاص مبهم است.

۳. شناسایی همه هزینه ها و راه حل ها ممکن نیست.

۴. عواقب اتخاذ برخی راه حل ها مشخص نیست.

۵. سوء برداشت که از مسائل.

۶. عدم دسترسی کامل به اطلاعات.

۷. اعتبار به اطلاعات ضعیف دشوار است. برخی اطلاعات برای همراه کردن طرف مقابل است.

۸. تصمیم گیری مطلوب همواره ممکن نیست ؟ چون عقلانیت ما محدود است و اطلاعات کامل و صحیح همواره نداریم.

۹. گاهی وجوه غیر مادی تصمیم گیری باعث می شود تا سایر صورت گرفته تحت تاثیر قرار بگیرد و مسائل ارزشی و ذهنی و اطلاعاتی

در تصمیم گیری ها دخیل می شود. لذا محدودیت های در عقلانیت ایجاد می کند.

* نکته: عقلانیت یک مفهوم سیال است. برداشت از عقلانیت متفاوت است. در شرایط مختلف و توسط افراد مختلف.

مثلاً عقلانیت انتحاری و شهادت طلبانه برای مسلمانان یک کار عقلانی است ولی نزد غربی ها که مادی تر هستند، ضری.

۴) مدل تصمیم گیری رضایت بخش [Satisfier] ؛ سیمون

از آن جایی که تصمیم گیرنده نمی تواند به تصمیم گیری حداکثری برسد ، رضایت بخش ترین گزینه را انتخاب می کند. در این

مدل به جایی شرایط مطمئن ، در شرایط نامطمئن تصمیم گیری می شود. به جایی عقلانیت عقلانی با ذهنیت

عقلانی تصمیم گیری می شود. به جایی اطلاعات کامل ، اطلاعات محدود تصمیم می گیرند. با امکانات و منابع محدود تصمیم گیری

می شود.

این مدل تلاشی است برای تصمیم گیری واقع بینانه.

مبنای این مدل ، عقلانیت نسبی است. آن چه امروز عقلانه است ، ممکن است فردا عقلانه نباشد.

ویژگی‌ها مدل رضایت بخشی:

- ۱- انتخاب هدف و رسیدن به هدف، همیشه بر اساس یک الگوی ساده صورت می‌گیرد نه بر اساس الگوهای پیچیده یا اثراتی.
- ۲- انتخاب راه، همواره از میان مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها صورت می‌گیرد که لزوماً محدود به این موارد نباشد.
- ۳- تصمیم‌گیرنده از برخی نتایج اطلاع دارد و همه‌ی نتایج را کلاً نمی‌داند.
- ۴- تصمیم‌گیرنده لزوماً بهترین نتیجه را دنبال نمی‌کند؛ به دنبال رضایت بخشی عینی ترنده است.
- ۵- تصمیم در چهارچوب فکری، روانی، ارزشی و تجربی تصمیم‌گیرنده شکل می‌گیرد نه صرفاً در چهارچوب واقعیت‌ها خارج.
- ۶- عدم رضایت از نتیجه ممکن است موجب جستجوی بیش‌تر برای یافتن گزینه‌های بهتری می‌شود.

۳) مدل تصمیم‌گیری فزاینده / افزایشی / تدریجی [Incremental]

عملیاتی محدود است. اطلاعات ناقص، کلی و مبهم است. فرصت تجزیه و تحلیل اطلاعات وجود ندارد. انسان نمی‌تواند همیشه تصمیم‌گیری مطلوب داشته باشد؛ تصمیم‌گیری مرحله‌مرحله است و هیچ مرحله‌ای تصمیم جامع نیست. در هر گام ارزیابی مرحله‌ی قبل صورت می‌گیرد و تلاش می‌شود برای مرحله‌ی بعدی، تصمیم بهتری اتخاذ شود.

۹۲، ۹، ۲۴

جلسه چهاردهم

۴) الگوی سیاست‌های بروکرانیک / دیوانی / دیوان‌سالاری

در این مدل تصمیم‌گیری، توجه به ساختار بروکرانیک سازمان کمی در تصمیم‌گیری سیاست‌ها بی‌اثر است. اما فقط به ساختار توجه نمی‌کند بلکه موارد زیر را هم فراموش نمی‌کند: نحوه‌ی برهم‌کنش، تعادلات، همکاری، رقابت، سلسله‌مراتب، نوع رهبری، دستفاه کمی در ضل در سیاست خارجی.

منافع سازمانی، نوع نگاه سازمان به در این مدل در نظر گرفته می‌شود. در این مدل، چند سؤال پاسخ‌ده می‌شود:

۱. شکلی عملیاتی موجود در اتخاذ تصمیم سیاست خارجی کدام است؟
۲. هر یک از بازیگران در کدام موقعیت تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند؟
۳. چگونه فشار کمی کاری، تجربیات اشخاص و روندها، بازیگران سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
۴. احم کمی قدرت هر یک از بازیگران چیست؟

۵) الگوی فزاینده سازمانی

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در این مدل، بدون دار سازمان کمی هم در سیاست خارجی است. روابط سازمان با مورد بررسی قرار می‌دهد. در افراد تمرکز ندارد.

لزوماً هزینه‌ها فایده‌ها تحت تأثیر تصمیم عملیاتی نیست و ممکن است رویه‌ی سازمان با تأثیرگذار باشد. هر تصمیم بیش‌تر نتیجه‌ی

سؤالاتی که در این مدل تحلیلگر به دنبال پاسخگویی بر آن است:

- ← چگونه نهادها و سازمان‌های موثر در سیاست خارجی کدام است؟
- ← کدام سازمان‌ها تأثیر بیشتری در سیاست خارجی اثر می‌گذارند؟
- ← در مجموع، تلاش می‌شود در این الگو، جایگاه سازمان‌ها شناخته شود.

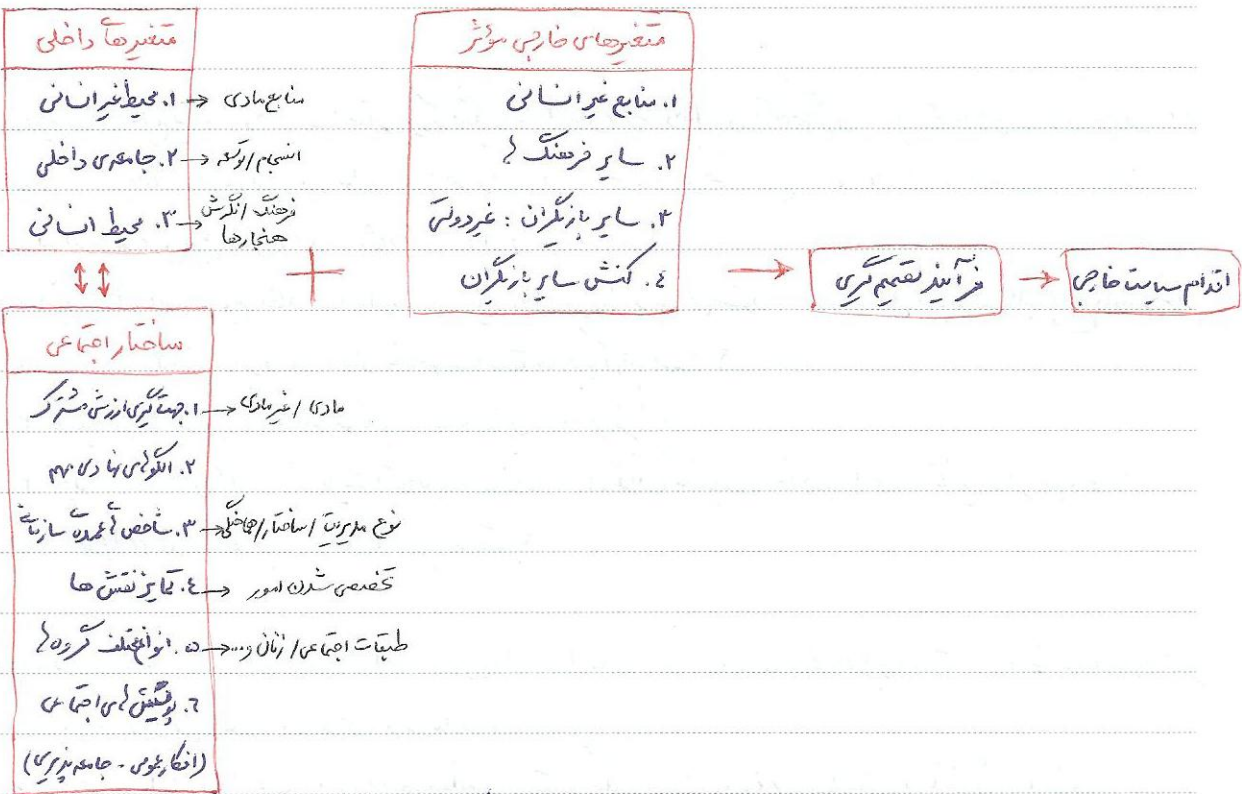
(۶) مدل شهردی / آکسفورد / کاوشی

ذهن‌ان تلاش می‌کند ساده‌سازی کند چرا که فرایند تصمیم‌گیری فرایندی پیچیده است. این امر می‌خواهد به نتیجه‌ای سریع برسد، به بهترین نتیجه برسد. یک سری تجارب، تضادها، استنتاج‌های قلبی به تصمیم‌گیری کمک می‌کند. ذهن به محض ساده‌سازی تصمیم می‌گیرد و می‌تواند درست‌ترین تصمیم نباشد.

(۷) تصمیم‌گیری شهردی / پیچیده‌دهی

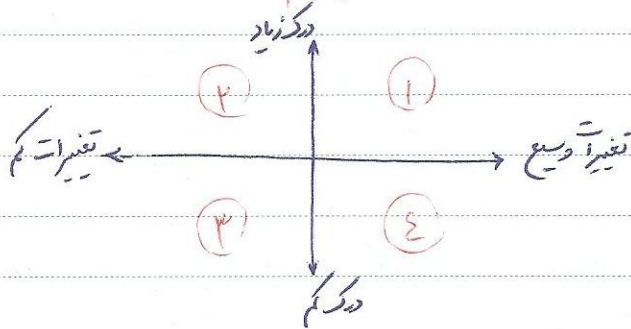
در مرحله‌ی اول تمام راه‌های موجود را در نظر می‌گیریم و بررسی می‌کنیم. به صورت عقلانی باور می‌کنیم که در ترکیب می‌شود بعد تصمیم می‌گیریم.

(۸) مدل تصمیم‌گیری استاینبر (Snyder)



سطح تحلیل استاینبر، سطح تحلیل ملی است. بین آن‌ها و محیط انسانی تأثیر دارد است.

۹. مدل تقسیم‌گری بروک (Brooke) و لیندبلوم (Lindblom)



این مدل بر اساس دو متغیر درک و میزان تغییرات شکل گرفته است.

- محیط ۱ « حالتی آرمانی است؛ چون معمولاً کشورها در مواقع تغییرات زیاد، درک کامل و زیادی نسبت به وقایع ندارند. [مثال: فروپاشی شوروی که یک تغییر وسیع است و آگاهی زیادی از تحولات شوروی نزد آمریکاییان]
- محیط ۲ « در این حالت، تصمیم‌گیری عادی صورت می‌گیرد. رسمی و روزمره است.
- محیط ۳ « گاهی کشورها محافظه‌کاری می‌کنند و تصمیم نمی‌گیرند. یا اثر تصمیم‌گیری می‌کنند، تصمیم‌گیری و با اصرار صورت می‌گیرد.

محیط ۴ « [مثال: بیداری اسلامی برای ایران و همچنین آمریکا]

۱۰. مدل جیمز روزنا (Rosenau) جلسه‌ی پانزدهم ۱۱/۱۰/۹۲

- روزنا جزو اولین نظریه‌پردازان سیاست خارجی است و مدلی چندین مؤلفه دارد:
- ۱. سطح داخلی و بین‌المللی را تعیین می‌کند. محذورات و موارد داخل و خارج لحاظ می‌شود.
- ۲. به مسائل تاریخی توجه می‌شود و رویکرد انتراعلی ندارد.
- ۳. به نقش قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌المللی توجه می‌کند.
- ۴. به تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در داخل بر سیاست خارجی توجه می‌کند.
- ۵. سیاست خارجی می‌تواند بر اساس سیاست‌های عالی، دانی یا تعیین آن‌ها متفاوت باشد.
- ۶. تلاش می‌کند در بحث سیاست خارجی تبیین علی‌ارائه دهد.

* مدلی به پیش‌نظر معروف است.

* روزنا بر اساس چهار عامل، کشورها را دسته‌بندی می‌کند: (مقدمه‌ای اول)

- قدرت سیاسی کم بزرگ و کوچک {
- قدرت اقتصادی { توسعه یافته / عقب مانده }
- جامعه { باز / بسته }
- فرهنگ { روستایی / شهری / روستایی / شهری }

* در گام بعدی سیاست خارجی کشور که را به ۳ دسته تقسیم می‌کند: (مقدمه‌ای دوم)

- سیاست های وجودی - حساس - بر سبتری

- سیاست های مادی (که مربوط به توسعه و رفاه است)

- سیاست های تلفیقی (حاشیه ای)

* تقسیم بندی منابع سیاست خارجی: (مقدمه‌ای سوم)

- فردی - نقش - حکومتی (روشن) - اجتماعی (نیز حکومتی) - نظام بین الملل

بر اساس منطوق روزنامه، هر چه ما از سطح قدرت بزرگ با اقتصاد پیشرفته با جامعه‌ی باز با فرهنگ رسوخ بزرگ است قدرت کوچک با اقتصاد عقب مانده جامعه‌ی بسته و فرهنگ بسته می‌روم، از نقش های سازمانی و نهادی گاسته می‌شود و بر نقش های فردی، خودکامی و استبدادی افزوده می‌شود.

مثلاً در یک کشور بزرگ با اقتصاد توسعه یافته و جامعه‌ی باز و فرهنگ رسوخ بزرگ در سیاست های مادی:

۱ نقش ۲ محیط نظام بین الملل ۳ مسائل اجتماعی ۴ حکومتی ۵ فردی

نوع قدرت	کشور بزرگ				کشور کوچک			
	توسعه یافته		عقب مانده		توسعه یافته		عقب مانده	
وضعیت اقتصادی	باز	بسته	باز	بسته	باز	بسته	باز	بسته
وضعیت سیاسی	نقش	نقش	شخصی	شخصی	نقش	نقش	شخصی	شخصی
اولویت ۱	شخصی	اجتماعی	نقش	نقش	سیستمی	سیستمی	سیستمی	سیستمی
اولویت ۲	شخصی	اجتماعی	حکومتی	اجتماعی	شخصی	اجتماعی	نقش	نقش
اولویت ۳	حکومتی	حکومتی	سیستمی	سیستمی	حکومتی	حکومتی	حکومتی	اجتماعی
اولویت ۴	سیستمی	سیستمی	حکومتی	حکومتی	اجتماعی	شخصی	اجتماعی	حکومتی
اولویت ۵	اجتماعی	شخصی	اجتماعی	حکومتی	اجتماعی	شخصی	اجتماعی	حکومتی
مثال (گذشته و روز)	شوروی	آمریکا	چین	هند	جکسلواکی	هند	عنا	کنیا
امروزه			روسیه	چین	اوکراین	هند	کشور آفریقا	آسیای مرکزی

* در مورد ایران: ۱. شخصی ۲. نقش ۳. سیستمی ۴. حکومتی ۵. اجتماعی (نظر استاد)

* روزها بعداً برای تکمیل مدل خود مؤلفه‌هایی را اضافه کرد؛ از جمله: روند های تاریخی، سوابق ملت، سمبک‌گری ارزشی کشورها، پیوند برقرار کردن بین محیط داخلی و خارجی با استفاده از مفهوم «تغییر» و برای نشان دادن آن یک مارتین چهاروجهی طراحی کرد.

تغییرات خارجی

		زیاد	کم
تغییرات داخلی	آزاد	متشیخ	پویا
	محدود	با تدبیر	عادی

در الگوی عادی، کشورها بر اساس یک فرایند عادی، تصمیم گیری می کنند.

در الگوی مبتدیان، در داخل کشور، ثبات وجود دارد و تصمیم گیری با دقت و بررسی زیاد صورت می گیرد؛ مثل بیداری اسلحه برای ایران و آمریکا.

در الگوی پویا، کشور دستخوش انقلاب یا انتخابات است. در ضمن حالتی یک نوع شتابی و سرزندگی در تصمیم گیری وجود دارد.

در الگوی متشیخ، تصمیم گیری با سرعت بالا صورت می گیرد؛ امکان استیفاء خیلی زیاد است. مثلاً انتخابات است و در بحساب کشور، جنگ در گرفته است؛ در این حاکم باید تغییرات داخلی را در نظر گرفت و هم مراتب تغییرات خارجی بود.

برای انطباق سیاست های دولت با این تحولات، چهار نوع انطباق می تواند اتفاق بیفتد:

۱. انطباق رضامندانانه به با جدائش مطلوبیت، شما توانسته اید خودتان را با تغییرات سازگار کنید؛ راضی هستید.
۲. انطباق طغیانگرانه به تطبیق صورت می گیرد ولی با چالش زیاد، مشکلات فراوان، با بحران، با نوعی اجبار؛ راضی نیستید ولی مجبور هستید.

۳. انطباق محتاطانه به بین این دو سمت تلاش می شود جهت گیری کلی سیاست خارجی حفظ شود برعکس موارد قبلی که ممکن است از بعضی اصول و ارزش ها کوتاه بیاید.

۴. انطباق ارتعاشی به نوعی رضامندانانه وجود دارد ولی بیش تر از رضایت معمولی؛ چنانکه نوعی ارتعاش در سطح سیاست خارجی شکل می گیرد.

۱۱ مدل برجر (Brecher)

برجر تلاش می کند که شرایطی که تصمیمات سیاست خارجی بر آن اساس اتخاذ می شود و عوامل مؤثر بر رفتار خارجی کشورها را در این مدل تبیین کند. نحوه ی تعامل و روابط محیط عملیاتی و محیط روانی را مشخص می کند. او متغیرها را بر همین اساس معین می کند که در محیط داخلی پنج متغیر و در محیط خارجی پنج متغیر است.

« مدل برچر »

محیط عملیاتی	
خارجی	داخلی
۱. نظام جهانی ۲. نظام تابعه ۳. نظام ای تابعه دیگر	۱. نخبگان رقیب ۲. گروه ای نفوذ ۳. ساختار سیاسی
۴. روابط دوجانبه ۵. روابط دوجانبه مسلط	۴. توانمندی اقتصادی ۵. توانمندی نظامی

ارتباطات

نخبگان تصمیم گیری

محیط روانشناختی (ایستارها و نگرش ها + تصور نخبگان)	
خارجی	داخلی
۱. نظام جهانی ۲. نظام تابعه ۳. نظام ای تابعه دیگر	۱. نخبگان رقیب ۲. گروه ای نفوذ ۳. ساختار سیاسی
۴. روابط دوجانبه ۵. روابط دوجانبه مسلط	۴. توانمندی اقتصادی ۵. توانمندی نظامی

تدوین سیاست خارجی

سیاست ها فرهنگی - منزلی // سیاست ها اقتصادی - توسعه ای
سیاست ها سیاسی - دیپلماتیک // سیاست ها نظامی - امنیتی

اجرا

نظام جهانی: الگوی روابط کشورها در سطح نظام بین الملل است؛ یعنی روابط قدرت که بزرگ، سازمان های بین المللی، کشورها در حال توسعه، کشور ای توسعه یافته؛ نوع قطب بندی نظام جهانی.

نظام ای تابعه: یعنی نظام ای زیر سیستم بین الملل. مثل آسیا، اروپا، آفریقا، خاور میانه، ... از نظر برچر چهار نوع نظام تابعه داریم: ① نظام تابعه جغرافیایی با اعضای همگن؛ مثل اتحادیه اروپا ② نظام تابعه جغرافیایی با اعضای ناهمگن؛

مثل خلیج فارس که شامل کشورهای سنی نشین و دارای نظام پادشاهی است و بی ایران و عراق، شیعه و دارای نظام دموکراتیک هستند. ۱۵) نظام تابعی سازمانی با اعضای همگن؛ مثل سازمان آکادمی عرب. ۱۶) نظام تابعی سازمانی با اعضای ناهمگن؛ مثل سازمان اوپک، اگو، عدم تعهد.

نظام های تابعی دیگر: به عقیده ی برجر، نظام های تابعی جغرافیایی همگن، نظام های تابعی به شمار می روند. اما نظام های تابعی جغرافیایی ناهمگن، تابعی سازمانی همگن و تابعی سازمانی ناهمگن جزو نظام های تابعی دیگر محسوب می شوند.

روابط دو جانبه: تعاملات دو جانبه ی دو بازیگر با همدگر جز قدرت های بزرگ.

روابط دو جانبه ی مسلط: روابط قدرت های بزرگ با قدرت های عادی.

توانمندی نظامی: قدرت نظامی یک کشور، توان دفع حمله، توان عملیات کردن، روزهایی سر بازان، روزهایی روهی، تجهیزات نظامی و انسانی در زمینه ی دفاع.

توانمندی اقتصادی: گلبه ی منابع انسانی و غیر انسانی تحت اختیار کشور، پیش رفتن های علمی، صنعتی، تجاری.

سیاست خارجی: شیوه ی تصمیم گیری، نوع نظام سیاسی، نوع حکومت، نوع احزاب، رابطه ی نظامیان و غیر نظامیان، دموکراتیک بودن یا غیر دموکراتیک بودن.

گروه های ذی نفوذ: لابی ها، دانشجویان، علما، انجمن های جامع، مراجع تقلید، اشخاص.

تختگاه و قسب: رقابت های حزبی، گروهی و جناحی. نقش افراد، احزاب، NGO ها در این مسکت بیش تر دیده می شود. بخش بزرگی مربوط به اسباب ها، پیش ها و ارزش های تختگاه سیاست خارجی است بر همان عوامل مؤثر در سیاست خارجی. نوع تصورات تختگاه بر این عوامل بسیار اثرگذار است. نگاه اوقات تصور از واقعیت مهم تر از خود واقعیت است. نتیجه ی تصمیم گیری تختگاه که بر اساس ارزیابی از محیط داخلی و خارجی و برداشتی که خودشان دارند از این محیط است، چهار حوزه است:

« حوزه ی نظامی-امنیتی: یعنی در حوزه ی نظامی-امنیتی تصمیم گیری کنند. مثلاً تصمیم گیری می کنند که درباره ی اتحادها و ائتلاف ها، جنگ و صلح، خریدن تسلیحات، استراتژی نظامی مشخص.

« حوزه ی سیاسی-دیپلماتیک: تلاش برای بهبود روابط با یک کشور، تعامل با یک کشور، خروج از یک سازمان بین المللی.

« حوزه ی اقتصادی-توسعه ای: تلاش برای عضویت در WTO (سازمان تجارت جهانی)، تصمیم برای خروج از اوپک.

« حوزه ی فرهنگی-مذهبی: مبادلات فرهنگی، آموزش با یک کشور، تصویر سازی مناسب از کشور.

بعد از تصمیم گیری، نوبت به اجرا می رسد. در این مرحله، سطح تصمیمات گرفته شده یکسان نیست. یک سری از تصمیمات تاکتیکی و یک سری از تصمیمات استراتژیک و راهبردی است. مثلاً احضار سفر یک تصمیم تاکتیکی جهت تنبیه کشور مقابل است اما قطع رابطه ی دیپلماتیک با یک کشور تصمیمی استراتژیک است. سطح اثرگذاری تصمیمات استراتژیک خیلی بیش تر از تاکتیکی است.